

قرعه و پرداخت دیه



بابک پورقهرمانی کلتپه
کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

مقدمه:

بی‌تردید، در مواردی که تلاقی حقوقی پیش می‌آید و شبهه‌ای در گزینش محقق می‌گردد، افراد در تشخیص حق دچار سردرگمی می‌شوند، که یا باید همچنان مردد به سر برند یا بدون دلیل، یک طرف قضیه را انتخاب نمایند. از آنجا که هیچ یک از این دو عاقلانه نیست چاره‌ای جز واگذاری تعیین حقوق و گزینش به خدای متعال به عنوان بهترین و مطمئن‌ترین راه باقی نمی‌داند و این راه توسط به قرعه است.^(۱) یکی از این موارد، ماده (۳۱۵) ق.م.ا. است، که بیان می‌دارد: «اگر دو نفر متهم به قتل باشند و هر کدام ادعا کند که دیگری کشته است و علم اجمالی بر وقوع قتل توسط یکی از آن دو نفر باشد و حجت شرعی بر قاتل بودن یکی اقامه نشود و نوبت به دیه برسد، با قید قرعه دیه از یکی از آن دو نفر گرفته می‌شود.»

سؤال: «در صورت علم اجمالی بر وجود قاتل در بین افراد محدود و معین بفرمایید: الف) آیا قاضی می‌تواند برای تعیین قاتل و اجرای قصاص از قرعه استفاده کند؟ ب) در صورت منفی بودن پاسخ و لزوم پرداخت دیه چه کسی باید دیه را بپردازد و نحوه پرداخت آن چگونه خواهد بود؟
آیه الله بهجت:
اگر صلح ممکن باشد مصالحه شود و الاً تنصیف می‌شود.
آیه الله گلپایگانی:
الف) قاضی نمی‌تواند از قرعه استفاده کند. ب) در فرض سؤال، اشخاصی که اطراف علم اجمالی هستند باید دیه را به شرکت بپردازند.
آیه الله فاضل لنکرانی:
در فرض سؤال، قاتل با قرعه مشخص می‌شود ولی قصاص او خلاف احتیاط

احتمال وجود دارد: تعیین مسئول پرداخت دیه به وسیله قرعه، یا توزیع دیه بر آنها، و اظهار توزیع دیه است.^(۲) و در ادامه بحث در مورد قرعه را بی‌فایده می‌داند.^(۳)
مرحوم آیه الله خوئی می‌فرماید: «اگر کسی ادعا کند که یکی از دو نفر قاتل است ولی قاتل را تفصیلاً نمی‌شناسد و هیچ کدام از متهمان بینمای برای بیگناهی خود نداشته باشند مدعی می‌تواند قسامه اقامه کند که اجمالاً یکی از دو نفر قاتل است و ادعای خود را اثبات کند؛ لیکن چون قاتل را تفصیلاً تعیین نکرده است نمی‌تواند متهمان را قصاص کند بلکه طبق آنچه که از بعضی روایات استفاده می‌شود می‌تواند از هر دو دیه بخواهد».^(۴) البته فرض ایشان در جایی است که مورد از موارد لوث باشد.
فقه‌های معاصر نیز در باره مفاد این حکم چنین نظر داده‌اند:

قبل از بحث درباره این ماده سابقه فقهی و تقنینی این ماده را بررسی می‌کنیم.
سابقه فقهی ماده (۳۱۵) ق.م.ا.:
در فقه مسئله‌ای با این خصوصیت مطرح نشده است؛ ولی می‌توان نظایری برای آن جستجو کرد و از آنها حکم مسئله را به دست آورد.
شیخ طوسی، در این مورد می‌گوید: «اگر دو نفر علیه شخصی به قتل شهادت دهند و دو نفر دیگر به ارتکاب همان قتل توسط شخص دیگری گواهی دهند چنانچه قتل عمدی باشد قصاص از بین می‌رود؛ و دیه به طور تنصیف به عهده دو نفری است که علیه آنها شهادت داده شده و همین‌طور اگر قتل شبه عمدی یا خطایی باشد. البته در صورت خطا دیه به‌طور تنصیف بر عهده عاقله است».^(۵)
صاحب جواهر می‌گوید: «در این مورد دو

است. لذا کسی که قرعه به نام او اصابت کرده باید دیه مقتول را بپردازد.

آیه الله مکارم شیرازی:

الف) قرعه در ابواب قصاص و حدود جاری نمی‌شود.

ب) دیه در میان همه آنها بطور مساوی تقسیم می‌شود.^(۶)

آیه الله امام خمینی (ره):^(۷)

«با گفته یک نفر، قاتل بودن ثابت نمی‌شود و در صورت علم اجمالی به قاتل بودن یکی از دو نفر معین، اگر حجت شرعی بر قاتل بودن یکی معین قائم نشود و نوبت به دیه برسد، دیه را با قید قرعه از یکی می‌توان گرفت». بنابراین، ملاحظه می‌کنیم که نظر هیچ یک از فقها با منطوق و مضمون ماده (۳۱۵) ق.م.ا. سازگار نیست و اکثر به قریب آنها موافق با عدل و انصاف در تقسیم دیه هستند و فقط نظر امام خمینی (ره) با مضمون ماده (۳۱۵) ق.م.ا. هماهنگ است و احتمال دارد که قانونگذار اسلامی، ماده (۳۱۵) ق.م.ا. را براساس استفتای امام (ره) تنظیم نموده باشد.

سابقه تقنینی ماده (۳۱۵) ق.م.ا.:

این ماده قبل از قانون ۱۳۷۰، در هیچ یک از متون قانونی با این مضمون نیامده بود. یعنی نه در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ چنین ماده‌ای وجود داشت و نه در قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲، و نیز در قانون حدود و قصاص ۱۳۶۱ اثری از آن یافت نمی‌شود. لذا برای اولین بار این ماده در سال ۱۳۷۰ وارد متون قانونی شد. البته قبل از این قانون در مواجهه با چنین مواردی به حکم ماده (۱۷۵) و (۱۷۵) مکرر ق.م.ع، عمل می‌کردند هر چند این مواد هم مجازات عمومی آن را بیان می‌کردند نه تعیین مسئول پرداخته دیه.

ماده (۱۷۵) ق.م.ع، بیان می‌داشت: «هرگاه در اثنای منازعه که چند نفر بخصوص در آن مشارکت داشته باشند قتل یا جرح یا ضرب واقع شود و مرتکب شخصاً معلوم نباشد هر یک از آنها در صورت وقوع قتل، به یک الی سه سال

حبس و در صورت وقوع جرح یا ضرب به سه الی شش ماه حبس جنحه‌ای محکوم می‌شود».

و نیز در ماده (۱۷۵) مکرر آمده بود: «هرگاه در قتل یا ضرب یا جرح عمدی که در غیر مورد منازعه واقع شده، دو یا چند نفر دخالت نمایند بدون اینکه معلوم گردد مرتکب اصلی کدام یک است هر یک از مداخله کنندگان در صورت وقوع قتل به سه الی ده سال حبس جنایی درجه یک و در صورت وقوع جرح برحسب مورد به مجازاتهای مقرر در ماده (۱۷۲) و یا ماده (۱۷۳) محکوم می‌شود».

حال بر طبق این ماده (۱۷۵) ق.م.ع، بعضی نظرشان بر این بود که تمامی شرکت کنندگان برحسب مداخله مسئول پرداخت دیه می‌باشند.^(۸) ولی اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی شماره ۷/۵۳۰۷-۱۲/۲۱-۱۳۶۲/۱۲/۲۱-۷/۵۳۰۷ مورد را مشمول ماده ۴۲ قانون حدود و قصاص دانسته بود.^(۹) ماده (۴۲) حدود و قصاص مقرر می‌داشت: «اگر شخصی در اثر ازدحام کشته شود و یا جنازه‌ای در شارع عام پیدا شود... باید حاکم شرع دیه او را از بیت‌المال بدهد...»

بنابراین، می‌بینیم که قبل از ق.م.ا. اصلاً صحبت از قرعه نشده است و قتل در اثر شرکت در منازعه و قتل در اثر ازدحام و یا پیدا شدن جنازه در شارع عام، در واقع در یک ردیف قرار داده شده است؛ در حالی که تفاوت‌های زیادی بین آنها وجود دارد. اداره حقوقی قوه قضاییه بعداً از نظریه خود عدول کرده و در نظریه شماره ۷/۱۱/۱۳-۱۳۶۳۰۷/۱۱/۱۳ صریحاً بیان داشت که دیه بین شرکت کنندگان به‌طور مساوی توزیع می‌شود و در این مورد تحمیل دیه بر بیت‌المال و یا اخذ از احد شرکت کنندگان به قید قرعه نمی‌تواند مستندی داشته باشد.^(۱۰) (البته این نظریه بعد از تصویب قانون مجازات اسلامی و در زمان حاکمیت ماده (۳۱۵) ق.م.ا. و ماده (۶۱۵) ق.م.ا. داده شده است).

به هر حال، می‌بینیم که رویه‌های متعددی بین دادگاهها در نحوه پرداخت دیه وجود داشته است و هیچ‌گاه قاتل به قرعه نشده‌اند و علت آن

شاید به جهت عدم وجود چنین ماده‌ای بوده است. حال با تصویب ماده (۳۱۵) ق.م.ا. و در موارد قتل در اثنای منازعه که در ماده (۶۱۵) ق.م.ا. آمده است (زمانی که قاتل معین نیست) می‌توان از قرعه برای پرداخت دیه استفاده نمود.

تجزیه و تحلیل ماده (۳۱۵) ق.م.ا.

شمول حکم ماده به تمام انواع قتلها:

آیا این ماده شامل تمام قتلها می‌شود و یا اینکه فقط شامل قتل عمدی است؟ در وهله اول ممکن است به نظر برسد که این ماده فقط شامل قتل عمدی است ولی باید گفت که این ماده به‌طور مطلق بیان شده است و اعم از قتل عمدی و غیر عمدی است و در ضمن، فقها نیز در بیان مسئله قتل را شامل تمام انواع قتلها می‌دانند. مشکلی که در اینجا مطرح می‌شود در مورد خطای محض است؛ چرا که در قتل خطای محض، دیه از عاقله گرفته می‌شود.

حال در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که آیا می‌توان قرعه را به ظرفیت عاقله انجام داد و آیا اصلاً می‌توان دیه را از عاقله گرفت؟ ممکن است این‌طور پاسخ داده شود که بعد از قرعه‌کشی، قرعه به نام هر کس که افتاد، او مسئول قتل خطایی است ولی عاقله او عهده‌دار مسئول پرداخته دیه خواهد بود؛ ولی بنظر می‌رسد که مسئولیت عاقله استثنایی است و منحصر به مواردی است که در فقه و قانون آمده است و نمی‌توانیم عاقله را غیر از آن موارد مسئول بدانیم و این مورد هم جز و مسئولیت عاقله به شمار نمی‌آید و در ضمن، در موارد استثنا هم باید به قدر متیقن اکتفا کرد. بنابراین، در ماده (۳۱۵) ق.م.ا. خود جانی (جناهی از نوع قتلی که اتفاق افتاده) مسئول پرداخت دیه است و نوع قتل تأثیری در این جهت ندارد.

حکم ماده (۳۱۵) ق.م.ا. منحصر به دو نفر نیست:

این ماده تصریح دارد که: «هرگاه دو نفر متهم به قتل باشند»، اگر تمسک به مفهوم عدد جایز باشد مفهوم عبارت چنین می‌شود که هرگاه بیش از دو نفر متهم به قتل باشند مشمول حکم این ماده نخواهند بود. اما باید گفت که مفهوم عدد

حجت نیست.^(۱۱) بنابراین، اگر قاتل در میان عدمای (چند نفر) مردد باشد اما به صورت مشخص معلوم نباشد مشمول ماده است. البته دامنه اطراف شبهه را نباید به مقداری گسترش داد که از شبهه محصوره خارج شود و عنوان شبهه غیر محصوره به خود بگیرد؛ چون انتساب اتهام به فرد معین، در نهایت ضعف قرار می‌گیرد؛ علاوه بر اینکه شبهه غیر معین به صورت مستقل مورد عنایت و توجه فقها قرار گرفته است. البته یکی از حقوقدانان نظر مخالفی در این مورد دارند که معتقد است حکم ماده در صورتی جاری می‌شود که اتهام مردد میان دو نفر باشد.^(۱۲) ولی باید گفت که رویه قضایی این نظر را نپذیرفته است.

عدم لزوم متهم کردن یکدیگر:

هر چند در ماده (۳۱۵) ق.م.ا. بیان شده است که «هر کلام ادعا کند که دیگری او را کشته است» ولی لزومی ندارد که هر یک از متهمان، قتل را به گردن دیگری بیندازند؛ چرا که ممکن است هر کلام از متهمان احتمالاً اقرار کنند و بگویند یکی از دو نفر ماقاتل است ولی به طور معین نمی‌دانیم که قاتل کیست. در اینجا نیز شبهه شبهه موضوعیه است که با اجرای قرعه تردید از بین می‌رود.^(۱۳) از کلام فقها نیز همین مفهوم نیز برمی‌آید. البته نظر مخالفی در این مورد وجود دارد که بیان داشته «هر کلام باید قتل را توسط دیگری ادعا کنند».^(۱۴) ولی همان طور که قبلاً گفتیم لازم نیست قتل منحصر به دو نفر باشد؛ چرا که اگر مثلاً قاتلین چهار نفر باشند ممکن است در اینجا مشکل پیش بیاید که یکدیگر را متهم به قتل نکنند. بنابراین، لزومی ندارد که هر کلام از متهمین یکدیگر را متهم نکنند. به هر حال، قضیه طوری باشد که موجب علم اجمالی بشود؛ و اگر فرضاً هر دو طرف متهم ادعای قتل توسط شخص ثالث را بنمایند و با هیچ کلام دیگری را متهم نکنند یا فقط یکی از آنها دیگری را متهم سازد اگر باز هم علم اجمالی بر وقوع قتل توسط یکی از آنها وجود داشته باشد به نظر می‌رسد که باز هم قرعه اجرا می‌شود.

علم اجمالی:

علم اجمالی در مقابل علم تفصیلی به کار می‌رود. علم تفصیلی آن است که چیزی از هر جهت معلوم و روشن باشد. اما علم اجمالی از یک جهت روشن و از یک جهت مجهول است. به

عبارت دیگر، اگر در موردی از جهتی قطع و از جهت دیگر اجمال و ابهام وجود داشته باشد آن قطع را علم اجمالی می‌گویند.^(۱۵) مثلاً هر گاه در موردی بنائیم که مثلاً زید قاتل است یا احمد با این فرض که قتل از این دو خارج نیست و اشتراک نیز منتفی باشد هر کدام از زید و احمد را یک طرف علم اجمالی می‌گویند و این علم اجمالی ممکن است از طریق اقرار متهمان، شهادت شهود بر متهمان به نحو مساوی و علم قاضی و یا از طریق سایر قرائن و امارات باشد.

حجت شرعی:

بعضی از حقوقدانان معتقدند که منظور از حجت شرعی منحصرأ فقط شامل بیّنه است.^(۱۶) ولی باید گفت که منظور از حجت شرعی، دلایلی است که می‌توان قتل را با آنها اثبات کرد. (اقرار، شهادت، قسامه، علم قاضی) بنابراین، تا زمانی که بیّنه برای قاضی وجود داشته باشد و یا حتی لوث باشد که فلان شخص قاتل است نوبت به قرعه نمی‌رسد؛ چرا که در موارد لوث که قسامه اجرا می‌شود یکی از طرق اثبات دعواست و علم اجمالی در اینجا وجود ندارد. به عبارت دیگر، قرعه هنگامی دلیل محسوب می‌شود که دلیل دیگری وجود نداشته باشد.^(۱۷) نکته‌ای که باید توجه داشت این است که علم اجمالی با وجود لوث نسبت به یک طرف منحل و با اجرای مراسم قسامه حکم قصاص یا دیه انشا می‌شود؛ و در مورد طرف دیگر نیز حکم برائت داده می‌شود. هر گاه علم اجمالی دارای اطراف بیشتر باشد مثلاً در هر دو طرف لوث وجود داشته باشد یا در هیچ کلام لوث نباشد - با فرض اینکه قطعاً قاتل تنها یک نفر است - در اینگونه موارد به جهت تعارض ظنون و تنجیز علم اجمالی، محلی برای اجرای قسامه وجود نخواهد داشت.^(۱۸) رأی اصراری شماره ۲-۱۳۲۵/۲۲۵-۲ هیئت عمومی دیوان عالی مؤید این مطلب است که بیان می‌دارد: «با وجود شبهه محصوره یا قرائن ظنیّه معارض، مورد از موارد لوث نخواهد بود تا قسامه حجیت یابد».^(۱۹)

قرعه برای تعیین مسئول پرداخت دیه است، نه تعیین قاتل:

یکی از شرایط مهمی که برای اجرای این ماده وجود دارد این است که در اینجا فقط مسئول پرداخت دیه با قرعه مشخص می‌شود و با قرعه نمی‌توان قاتل را تعیین کرد و حکم به قصاص داد.^(۲۰) زیرا با اجرای قرعه به حکم قطعی و تعیین نرسیده‌ایم و فقط مسئول پرداخت دیه به خاطر هدر رفتن خون مقتول تعیین می‌شود، تا چه رسد به اینکه با قرعه حکم به قصاص داد. به عبارت دیگر اجرای قصاص منوط به این است که انتساب قتل به متهم منجز باشد و صرف عمدی بودن قتل مادامی که انتساب قتل به یک طرف با دلایل اثباتی ثابت نشود، برای ثبوت قصاص کافی نیست.

از رأی شماره ۲۶۶۸/۲۱۱۳۲۱/۲۷/۲۶ شعبه ۲۶ دیوان عالی کشور، همین مفهوم نیز استنباط می‌شود: «در رابطه با استدلال اولیای دم که مشتمل بر تعجب و شگفتی است با اینکه قتل عمدی انجام شده باید گفت این حکم که قصاص در موارد علم اجمالی و عدم تعیین قاتل از قصاص تبدیل به دیه می‌شود مورد اجماع علمای شیعه می‌باشد و هیچ کس با قرعه قاتل به قصاص نشده است».^(۲۱)

رسیدن نوبت به دیه:

حال سؤال این است که چه زمانی نوبت به

قبل از ق.م.ا. اصلاً صحبت از قرعه نشده است و قتل در اثر شرکت در مبارزه و قتل در اثر از حجام و یا پیدا شدن جنازه در شارع عام، در واقع در یک ردیف قرار داده شده است. در حالی که تفاوت‌های زیادی بین آنها وجود دارد.

دیه می‌رسد؟ در ماده (۳۱۵) ق.م.ا. آمده است: «زمانی که نوبت به دیه برسد». در قتل شبه عمد و خطای محض معلوم است که حکم اولیه دیه است و زمانی نوبت به دیه می‌رسد که اولیای دم درخواست بکنند.

ولی در مورد قتل عمد کمی موضوع فرق می‌کند؛ زیرا، اولاً: در قتل عمدی، حکم اولی قصاص است و در موارد تردید ساقط می‌شود. ثانیاً: زمانی حکم به پرداخت دیه داده می‌شود که اولیای دم تقاضا کنند و تا زمانی که درخواست دیه نکنند قصاص طبق این ماده ساقط شده است و به دیه هم حکم داده نمی‌شود.

سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا در قتل عمدی تحت شرایط ماده (۳۱۵) ق.م.ا. که قصاص ساقط می‌شود، برای پرداخت دیه اولیای دم و مسئول پرداخت دیه باید با هم تراضی کنند و یا اینکه فقط به دیه مقرر (قانونی) حکم داده می‌شود؟

در جواب باید گفت در اینجا، اولاً: حکم قصاص قطعاً و یقیناً ساقط می‌شود. به عبارت دیگر، با قرعه حکم به قصاص داده نمی‌شود؛ بنابراین، اگر دو طرف با هم توافق نکنند باز هم قصاص اجرا نخواهد شد ثانیاً: حکم قضیه مورد تردید است و در موارد شبهه هم باید به قدر متیقن - که همان دیه مقرر باشد - اکتفا کرد.

نتیجه اینکه در مورد قتل عمدی که با قرعه حکم به دیه داده می‌شود و اولیای دم هم خواهند دیه هستند فقط به دیه مقرر حکم داده می‌شود نه دیه توافقی.

مسائل جنبی ماده (۳۱۵) ق.م.ا.

عدم تعزیر مسئول پرداخت دیه:

سؤال این است که آیا در قتل عمدی تحت شرایط ماده (۳۱۵) ق.م.ا. مسئول پرداخت دیه را می‌توان طبق ماده (۶۱۲) ق.م.ا. تعزیر کرد؟

ماده (۶۱۲) ق.م.ا. بیان می‌دارد: «هر کس مرتکب قتل عمد شود و شاکه نداشت یا شاکه داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و یا به هر علت قصاص نشود در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا

بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد دادگاه مرتکب را به حبس از سه تا ده سال محکوم می‌نماید.» هر چند در وهله اول ممکن است از عبارت (به هر علت قصاص نشود)، این طور استنباط شود که مرتکب قتل عمد تحت شرایط ماده (۳۱۵) ق.م.ا. را می‌توان تعزیر کرد؛ چرا که در اینجا هم قتل عمدی صورت گرفته و قصاص هم به علتی صورت نمی‌گیرد؛ ولی باید گفت که نباید از ماده (۶۱۲) ق.م.ا. این طور استنباط شود. زیرا ماده (۶۱۲) ق.م.ا. زمانی قابل اعمال است که اولاً: قتل منجزاً به قاتل منتسب باشد و در ماده (۳۱۵) ق.م.ا. چنین انتسابی وجود ندارد و تعیین مسئول پرداخت دیه از باب هنر نرفتن خون مقتول است. ثانیاً: حکم اولیه قانونی قتل عمد قصاص باشد و به علی مانند گذشت شاکه خصوصی، قصاص اجرا نشود، نه اینکه قتل عمدی باشد، ولی حکم اولیه قانونی آن دیه باشد.

همچنین در ماده (۳۱۵) ق.م.ا. به علت اینکه قصاص مجازات است به خاطر شک و شبهه‌ای که پیش آمده قصاص را دفع می‌کنیم که مبدا شخص بیگناهی مجازات شود؛ چون مجازات هم مثل حدود در موارد شک و شبهه ساقط می‌شود. (۱۲) بنابراین، مسئول پرداخت دیه را به خاطر همین شک و شبهه نمی‌توانیم تعزیر کنیم. متأسفانه شعبه بیست و ششم دیوان عالی کشور در رأی شماره ۱۶۷۱-۱۳۷۱/۱۰/۷، برخلاف نظر فوق رأی داده و مسئول پرداخت دیه را قابل تعزیر دانسته است. به خاطر اهمیت مطلب خلاصه پرونده آورده می‌شود.

خلاصه پرونده: «آقایان (ب و ج و د و ه) متهم به قتل عمدی برادرشان «الف» هستند و چنین توضیح می‌دهند: [صبح جمعه آمدیم منزل پدرمان که مریض بود و مقتول سر پدرمان جیغ‌داد کرد و بر سر برادرمان «ب» زد. آمدیم جلوگیری کنیم که به ما حمله کرد؛ و ما ناگزیر شدیم از خود دفاع کنیم و با قیچی و تیشه و قندشکن و چوب به او زدیم تا مرد و...].

متهمان ردیف اول و سوم اعتراف کرده‌اند که ضربه‌ها را بر سر مقتول زده‌اند. دادگاه مورد را از

ماده (۶۱۲) ق.م.ا. زمانی قابل اعمال است که اولاً: قتل منجزاً به قاتل منتسب باشد، و در ماده (۳۱۵) ق.م.ا. چنین انتسابی وجود ندارد و تعیین مسئول پرداخت دیه از باب هنر نرفتن خون مقتول است. ثانیاً: حکم اولیه قانونی قتل عمد قصاص باشد و به علی مانند گذشت شاکه خصوصی، قصاص اجرا نشود، نه اینکه قتل عمدی باشد، ولی حکم اولیه قانونی آن دیه باشد

موارد علم اجمالی دانسته و بر حسب استقراع آقای «ب» را محکوم به پرداخت دیه سهم زوجه و تحمل پنج سال حبس تعزیری می‌کند؛ و بقیه متهمان را تبرئه می‌کند؛ و شعبه ۲۶ دیوان عالی در تاریخ ۱۳۷۱/۱۰/۷ در مقام رسیدگی تجدیدنظر دادنامه را عیناً تأیید می‌کند. (۱۳)

البته نکته جالب توجه این است که قانونگذار در یک مورد به‌طور ضمنی مسئول پرداخت دیه را قابل مجازات دانسته است و آن بحث ماده (۶۱۵) ق.م.ا. است. همان طور که قبلاً اشاره شد در نزاع دسته جمعی در صورتی که قتلی اتفاق بیفتد قاتل ممکن است معین و یا نامعین باشد و در صورتی که قاتل معین باشد علاوه بر قصاص به مجازات شرکت در منازعه نیز محکوم می‌شود. (بند ۱ ماده ۶۱۵ ق.م.ا.) ولی در صورتی که قاتل نامعین باشد چون فی‌الجمله و به‌طور تفصیلی معلوم است که قاتل یکی از این شرکت کنندگان در نزاع است ولی به‌طور معین معلوم نیست که قاتل کیست قصاص به‌طور کلی منتفی است؛ ولی برای پرداخت دیه از لحاظ رعایت هنر نرفتن خون مسلمان، از وحدت ملاک ماده (۳۱۵) ق.م.ا. کمک گرفته و مسئول پرداخت دیه با قرعه مشخص می‌شود؛ و شخص مسئول علاوه بر پرداخت دیه به مجازات شرکت در منازعه

مثل سایر شرکت کنندگان محکوم می‌شود. بنابراین، می‌بینیم که در اینجا قانونگذار برای مسئول پرداخت دیه که از طریق قرعه مشخص شده است مجازات تعیین کرده است. (البته نه با عنوان اخلال در نظم و بیم تجری، بلکه با عنوان شرکت در منازعه).

استفاده از وحدت ملاک ماده (۳۱۵) ق.م.ا در ایراد ضرب و جرح‌ها و نقص عضوی:

اگر علم اجمالی بر این باشد که یکی از این دو نفر، ضرب و جرح یا نقص عضو را وارد کرده است ولی تفصیلاً معلوم نباشد که کدام یک ضارب یا جراح است آیا می‌توانیم از وحدت ملاک ماده (۳۱۵) ق.م.ا (یعنی از قرعه) در تعیین ضارب یا جراح استفاده کنیم؟

هر چند در قانون مجازات اسلامی در مورد این مسئله به مطلبی اشاره نشده است ولی عدم ذکر، بدان معنا نیست که نتوان از قرعه در مورد ضرب و جرح استفاده کرد؛ زیرا در اینجا هم ماهیت قضیه با قتل یکی است و فقط موضوع آنها با هم فرق دارند پس در اینجا مثل قتل، قصاص منتفی است ولی دیه ضرب و جرحی که وارد شده باید

بی شک قرعه یکی از طرق کشف حقیقت است و قاضی در برخی مواقع الزاماً و در برخی دیگر مجازاً از قرعه استفاده می‌کند؛ به خاطر اینکه هیچ دلیلی در کشف حقیقت وجود ندارد، و نیز «کل مجهول ففیه القرعه» و «کلماً حکم الله به فلیس بمخطیء» (هر چیزی که مورد حکم خدا قرار بگیرد خطاء نخواهد بود) و چون قرعه از نظر کتاب و سنت از اعتبار بالایی برخوردار است، طرفین نمی‌توانند پس از بیان قرعه از طرف حاکم تخلف بکنند.

به نحوی جبران شود؛ و چون معلوم نیست که کدام یک ضارب یا جراح است چاره‌ای جز این نداریم که از قرعه برای پرداخت دیه استفاده کنیم؛ زیرا «کل مجهول ففیه القرعه» (در هر امر مجهولی قرعه جاری می‌شود) و در تائید نظر فوق لازم به ذکر است که کمیسیون استفتات شورای عالی قضایی در تاریخ ۱۳۶۳/۱۰/۹ همین نظر را داده است.

حکم بعد از قرعه:

بی شک قرعه یکی از طرق کشف حقیقت است و قاضی در برخی مواقع الزاماً و در برخی دیگر مجازاً از قرعه استفاده می‌کند؛ به خاطر اینکه هیچ دلیلی در کشف حقیقت وجود ندارد و نیز «کل مجهول ففیه القرعه» و «کلماً حکم الله به فلیس بمخطیء» (هر چیزی که مورد حکم خدا قرار بگیرد خطاء نخواهد بود) و چون قرعه از نظر کتاب و سنت از اعتبار بالایی برخوردار است طرفین نمی‌توانند پس از بیان قرعه از طرف حاکم تخلف بکنند؛ چرا که رأی دادگاه منطبق با شرع و قانون است و هیچ اشکالی بر آن وارد نیست و باید در برابر حکم استخراجی تمکین کنند مگر اینکه دلیل جدیدی حادث شود که قرعه از حجیت بیفتد.

نتیجه گیری:

از بررسی و تجزیه و تحلیل ماده (۳۱۵) ق.م.ا، نتایج زیر حاصل می‌شود:

- هیچ یک از فقها قائل به حکم قصاص با قرعه نشده‌اند و غالب فقها نظرشان بر این است که دیه به‌طور مساوی بین متهمین تقسیم می‌شود.

- حکم ماده شامل تمام انواع قتلها می‌شود. - مفهوم عدد در این ماده منحصر به دو نفر نمی‌باشد.

- لازم نیست که متهمان، قتل را به گردن یکدیگر بیندازند.

- حجت شرعی شامل دلیل‌هایی می‌شود که می‌توان قتل را با آنها ثابت کرد.

- قرعه برای تعیین مسئول پرداخت دیه است نه قاتل.

- از وحدت ملاک این ماده در ضرب و جرح‌ها هم می‌توان استفاده کرد.

- مسئول پرداخت دیه را نمی‌توان طبق ماده (۶۱۲) ق.م.ا، تعزیر کرد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. بطحایی، سیدهاشم، قرعه و اهمیت آن در فقه، مجله مجتمع آموزش عالی قم، ش ۹، ص ۷۰.
۲. مروراید علی‌اصغر، موسوعه سلسله الینایع الفقهیه، موسسه فقه شیعه ج ۲۴، ص ۱۱۳.
۳. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام، ج ۴۲، ص ۹۵.
۴. همان، ص ۹۶.
۵. خوئی، ابوالقاسم، تکمله المنهاج ج ۲، ص ۱۱۸.
۶. مجموعه آرای فقهی و قضایی (در زمینه مسائل حقوقی و کیفری)، ج ۱ و ۲، مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه، ۱۳۷۸، ص ۹۳.
۷. کریمی، حسین، موازین قضایی از دیدگاه امام خمینی(ره)، ج اول، شکوری، ۱۳۶۵، ص ۱۷۰.
۸. طبرانیان، غلامرضا، پرداخت ضرر و زیان در منازعه دسته جمعی، کلون وکلا، ش ۱۰۱، ص ۳۱.
۹. نظریات اداره حقوقی قوه قضاییه(کیفری)، شهری، غلامرضا، ستوده‌جهرمی، سروش، ج اول، ۱۳۷۳.
۱۰. همان منبع.
۱۱. زراعت عباس، شرح قانون مجازات اسلامی، دیات (ج ۱)، ص ۲۴۶، شکاری، روشنعلی، بحثی پیرامون ماده ۳۱۵ ق.م.ا، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۳۳، ص ۴۱.
۱۲. زراعت عباس، همان، ص ۲۴۷.
۱۳. شکاری، روشنعلی، همان، ص ۴۱.
۱۴. زراعت عباس، همان، ص ۲۴۶، رأی شماره ۲۰-۳۷۸۶-۲۱/۱۱/۱۰۷۱، شعبه ۲۰ دیوان عالی کشور.
۱۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۴، گنج دانش، ص ۲۶۳۴.
۱۶. شکاری، روشنعلی، همان، ص ۴۱.
۱۷. رازی‌زاده محمدعلی، قسام در نظرم قضایی اسلام، نشریه تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ص ۱۹۴.
۱۸. همان، ص ۱۹۴.
۱۹. مذاکرات و آرای هیئت عمومی دیوان عالی کشور، ۱۳۷۵، ج اول، ۱۳۷۷، ص ۳۹.
۲۰. سپهوند امیرخان، جزوه حقوق جزای اختصاصی، دانشگاه قم، ص ۱۸.
۲۱. بلزگیر، یدالله، قانون مجازات در آینه آرای دیوان عالی کشور (قتل شبه عمد)، ص ۱۲۷.
۲۲. محقق داماد قواعد فقه ۴ (جزایی)، نشر علوم اسلامی، ص ۳۹، قبله‌ای خوئی، خلیل، قواعد فقه، نشر سمت، ۱۳۸۰، ص ۱۶۲.
۲۳. بلزگیر، یدالله، همان، ص ۱۱۴.